



نورالدين زرین كلك	تهران ۱۳۹۷	منوچهر انور
-------------------	---------------	-------------



مقدمه

جدِ اعلایِ ملانصرالدین ایرانی ما، جوحی یا جُحای عرب، عمرش از هزار سال بیشتر است. این جوحی کهنسال هنوز جوان بود که به ایران آمد و جا خوش کرد. اخلاف این جُحا را، که نیاکان مسلم ملانصرالدین باشند، می‌توان از جمله در رسالهٔ دلگشای عبید زاکانی^۱ پیگیری کرد. قهرمانان شیرین‌کار لطیفه‌های عبید - بخاری و رازی و اردبیلی و قزوینی و گیلانی و خراسانی، یا حتی طلحک و ابونواس - قرن‌ها بعد، همگی لباس ملانصرالدین به تن کردند. در آثار عربی و فارسی ادیبانی چون ابوحنیفان توحیدی^۲ و محمد صالح قزوینی^۳ نیز با عدهٔ دیگری از اسلاف رنگارنگ ملا برخورد می‌کنیم.

اما در میان نیاکان ملا از همه معروف‌تر دخو قزوین است که اسمش، گویا بدون اینکه در جایی جز چرند پرنده خدا ثبت شود، سینه‌به‌سینه به ما رسیده است. مشکل بشود کسی را پیدا کرد که نام دخو به گوشش نخورده باشد! از نیاکان ملا که بگذریم، می‌رسیم به پدر ظاهراً بلافصلش، نصرالدین خوجا یا خوجا نصرالدین ترک، که سنش شاید از چهار قرن بگذرد: آدم شوخ طبع ساده‌لوحی که اهل یکی از دهات پرت افتادهٔ عثمانی ست، که او هم نامش، مثل نام دخو ما، مدت‌های مدید فقط بر جریدهٔ سینه‌های عوام ثبت بود، تا اینکه نزدیک به دو قرن پیش، دانشوران ترک آن را ثبت دفترها کردند. و در این اواخر، مسئولان حفظ آثار فرهنگی ترکیه، گنبد و بارگاه هم برایش تعبیه کرده‌اند.

از پشت این پدر است که ملانصرالدین رند ساده‌لوح احمق دانای دوروی صادق زک‌گوی شوخ طبع ما ایرانیان پدید آمده است؛ و همین ملاست که، به نوبهٔ خود، کم‌کم سر از نئی کتاب‌ها درمی‌آورد.

اولین لطیفه‌های جایی موجود این ملانصرالدین جوان مجموعهٔ مطایبات ملانصرالدین است، که در سال ۱۲۹۹ هجری قمری، بدون ذکر نام مترجم یا مؤلف، با چاپ سنگی به طبع رسیده، و در صفحهٔ اول آن یک چنین شرحی آمده است:

۱ نظام‌الدین (یا نجم‌الدین) عبداللّه زاکانی. ۷۰۰-۷۷۱ یا ۷۷۲ هجری قمری. از شعرا و نویسندگان بزرگ ایران.

۲ علی بن محمد بن عباس، ابوحنیفان توحیدی، ۳۱۰-۴۰۴ هجری قمری، مؤلف کتاب البصائر والدخائر.

۳ متوفای بعد از ۱۱۱۷ هجری قمری، مترجم و مؤلف نوادر که برگردان و برداشتی است از کتاب محاضرات الادب و محاورات الشعرا و البلغای راغب اصفهانی، احتمالاً متوفای ۵۰۲ هجری قمری.

بسم الله الرحمن الرحيم

وبعد از آنجا که کمال ملالت حاصل بود چیزی که طبیعت را بدان شاغل نمود لازم شد نسخه‌ای از نوادر حکایات دُجین ابن ثابت البصری المشهور بجا که بلغة عربی جمع آورده‌اند بدست افتاد پس از مطالعه معلوم شد که صاحب اقوال مذکور همان ملانصرالدین است که نام نامی و اسم گرامی او بین الخواص والعوام مشهور است لهذا من باب تفریح خاطر و سرور قلب محزون، رأی حقیر بر آن قرار یافت که این نسخه را از لغت عربی به عبارت فارسی ترجمه سازم تا قلب حزین و خاطر غمین زندانیان ورطه غم و الم را از مطالعه آن انبساطی حاصل آید و من الله الاستعانة في دفع جميع الهموم وهو المقترح من كل الغموم آمین یا رب العالمین^۱

بعد از آن نوبت می‌رسد به کتاب چاپ سنگی دیگری در سال ۱۳۰۲ هجری قمری، تحت عنوان انیس البیعارین، با یک چنین مقدمه‌ای:

هذا

کتاب ملانصرالدین

بسم الله الرحمن الرحيم

معروض خاطر برادران دینی و احتیای روحانی این بنده ضعیف محمد باقر المشهور به مرشد کرمانی که به جهت اینکه دوستان نزد یکدیگر بنشینند و دماغ ایشان نسوزد و مطلبی از ایشان در میان باشد این چند کلمه را از جُحا که مشهور به ملانصرالدین است عرضه داشتم و در زمان سابق به زبان عربی بود لهذا این داعی بعد از کشیدن زحمت بسیار و رنج بی‌شمار او را به زبان فارسی ترجمه نمودم. استدعا از مطالعه‌کنندگان چنین است که در وقت مطالعه این ضعیف افسرده‌حال را به دعای خیر یاد و شاد فرمایند و این نسخه کمیاب را مرسوم گردانیدم به «انیس البیعارین» من کلام مولانا اعلم العلماء الراشدین زیدة الفضلاء العالمین، امین خلوة الاحقین، الشهیر به ملانصرالدین — غفرالله ذنوبه و حلت مقامه — مندرج گردانیدم و در آن کتاب مستطاب مرقوب [کذا] مطالبی که از جناب ایشان به نظر این احقر رسیده بود مرقوم داشتم.^۲

چهل و یک سال بعد، کتیبۀ نسخه چاپ سنگی دیگری از نوادر ملا، با عنوان مطایبات جناب ملانصرالدین، یک چنین شکلی پیدا می‌کند:

نظر به اینکه کتاب مستطاب ملانصرالدین در میان کتب ادبی موقع مهمی دارا بوده و یگانه کتابی است که در زبان شیرین فارسی در فن مطایبه به واسطه مندرجات حکمت آموزش طرف رغبت عموم مشرق‌زمین گشته بنا بر نایابی نسخه‌های مطبوعه آن این معارف‌دوستان میرزا حسن و حسین آقا برادران گودرزی برای استفاده عموم با کمال صحت و خطی خوب به طبع و نشر آن اقدام نمودند امید که خوانندگان را مرغوب طبع بوده باشد. ۱۲ جمادی الثانی ۱۳۴۳.^۳

۱ به نقل از: جوجی، تحقیق و ترجمه و تألیف دکتر احمد مجاهد، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۲، ص ۶۲.
۲ همان، ص ۶۷.

۳ به نقل از: همه حق دارند، کزیده لطیفه‌های ملانصرالدین، پژوهش و بازنویسی منوچهر کریم‌زاده، چاپ دوم، انتشارات طرح نو، تهران ۱۳۷۸، ص ۱۹.

بعد از چاپ‌های سنگی لطیفه‌های ملانصرالدین، ملا حسینی کارش گرفت و در به روی چاپ سربق قصه‌هایش باز شد. مجموعه‌های بی‌شماری از این لطیفه‌ها، با عنوان‌های مختلف — داستان‌های شیرین ملانصرالدین و کلیات ملانصرالدین و یا صرفاً ملانصرالدین —، به اشکال مختلف، در قطع‌ها و حجم‌های مختلف، مصور و نامصور، سال‌هاست که، یکی بعد از دیگری، به بازار آمده است و همچنان می‌آید.

اساس اصلی این جُنگ‌ها همان قصه‌های قدیم است، پراکنده در دیوان‌های شاعران قدیم، و متونی چون رساله دلگشا و کتاب نوادر، هر لطیفه‌ی منسوب به شخصی، و این اشخاص، خیلی وقت‌ها، معارض یکدیگر. تعداد این لطیفه‌ها مشکل به صد برسد. اما مردم، به مرور و اختصاصاً به موازات انتشار روزنامه ملانصرالدین در قفقاز، تمامی آنها را به اضافه بسیاری قصه‌ها و مثل‌های عامیانه فارسی و ترکی که در دهان‌ها بود، یا در کتاب‌ها می‌آمد، به نام ملا ثبت دادند.^۱ و از آن به بعد، هر کس آمد به سلیقه خود چیزی بر آنها افزود، تا لطیفه‌ها تعدادشان به هزار نزدیک شد، و چه بسا که به زودی از هزار هم بگذرد. بنابراین، ملانصرالدین امروز ما، هزار بیشه‌ی ست که مردم، به مرور زمان، خصلت‌های متضاد را راحت در آن جا داده و از ملا مخلوق ساخته‌اند جامع مجموع آدم‌ها — از عاقل و فرزانه گرفته تا خُل و دیوانه — که از بیرون غالباً هموار است، اما از درون — مثل تک‌تک آدم‌ها — ناهموار. هر لطیفه‌ی که در آن دانی با انگ حماقت ظاهر شود، یا ساده‌لوحی نشانه رندی باشد، به شرط آنکه «پندامیز» به شمار بیاید، خودبه‌خود در این هزاربیشه می‌گنجد. طنز ناشی از این دوگانگی یک‌یک ما را به ملا وصل می‌کند و باعث می‌شود که شوخی شوخی چیزی از خود را در او پیدا کنیم. و در این مقام، ملانصرالدین فقط متعلق به ایرانی و ترک و تاجیک و عرب نیست؛ تمام مردم عالم به دلیل آدم بودن، در هزاربیشه ملا جا می‌گیرند و از آن سهم می‌برند. و به همین جهت است که حالا دیگر در همه جای دنیا ملا را گرامی می‌دارند، و ناشران آسیایی و اروپایی و امریکایی هر از چندی «ویراست» تازه‌ی از لطیفه‌هایش به بازار می‌آورند، و حتی گاهی در محافل علمی، سرگاو اگر در خمره گیر کند، کسانی از ملانصرالدین کمک می‌گیرند. در لطیفه‌های ملا چیزی که فرنگی را سخت جذب می‌کند، خندیدن اوست، هم به ریش خودش، هم به ریش دنیا، در عین اینکه در اصل، هم شخص خود را به قدر کافی جدی می‌گیرد، هم کار

۱ چنان که مضمون بیش از هفتاد لطیفه برگرفته از دهان مردم، و کتاب‌هایی چون نوادر قزوینی و امثال و حکم دهخدا و کشکول جمالزاده و جوجی دکتر احمد مجاهد، از این نوع است.